

بررسی عدم پذیرش اعتبار احکام کیفری کشورهای خارجی در تعزیرات منصوص شرعی در حقوق ایران^۱

ابوالحسن شاکری *

فرشاد شیرزادی فر **

چکیده

بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگر شخصی در خارج از کشور مرتکب جرمی شود که مجازات آن تعزیر منصوص شرعی است حتی اگر در کشور خارجی به موجب ارتکاب این جرم، محکوم به مجازات شود و تمام مجازات را هم تحمل کند طبق قانون مجازات اسلامی در ایران قابل تعقیب، محاکمه و مجازات است. منظور از تعزیرات منصوص شرعی، مجازات‌های خاص است که توسط شارع مقدس نوع و اندازه آن برای گناهان موجب تعزیر مقرر شده و در قانون ایران نیز برای بعضی جرایم موجب تعزیر آمده است نظیر: همجنس‌گرایی مردها، اقرار به زنا کمتر از چهار بار که به ترتیب در مواد ۲۳۷ و ۲۳۲ قانون مجازات اسلامی آمده است. حکم تبصره ۲ ماده ۱۱۵ برخلاف قاعده منع مجازات مضاعف و استثنایی است، فلذا باید مضمیق تفسیر گردد، بنابراین اگر ایرانی غیرمسلمان در خارج از ایران مرتکب جرم تعزیر منصوص شرعی گردد که در آن کشور جرم است، در صورت تحمل مجازات، به جرم او در ایران رسیدگی نخواهد شد. همینطور حتی اگر شخصی در جرم با تعزیر منصوص شرعی معاونت کند که در خارج از کشور واقع شده است چنانچه به سبب این معاونت در کشور خارجی تعقیب و مجازات شده باشد در ایران تعقیب و مجازات نخواهد شد.

کلید واژه‌ها: اعتبار حکم خارجی، تعزیر منصوص شرعی، صلاحیت شخصی، مجازات مضاعف.

۱- تاریخ وصول: ۹۲/۱۲/۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۱۴

* دانشجویار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران shakeri@umz.ac.ir
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۱- مقدمه

انسان با داشتن امیال و خواسته‌های نامحدود موجودی اجتماعی است، بنابراین برای برقراری نظم و انضباط اجتماعی، جامعه ناگزیر است دست به وضع قواعد و مقرراتی بزند که تخطی از آن بعضاً جرم و هر شخصی که این نظم اجتماعی را برهم بزند مجرم تلقی و مستحق مجازات باشد. در قانون ایران، جرایم تقسیم‌بندی نشده اما مجازات‌ها مطابق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به چهار دسته حد، قصاص، دیه، تعزیر تقسیم شده است. اگر شخص ایرانی در خارج از کشور مرتکب یکی از جرایمی شود که مجازات آن حد، قصاص یا دیه است، علیرغم تحمل مجازات در کشور خارجی، در ایران تعقیب و محاکمه و مجازات خواهد شد، البته در این خصوص، به صراحت، مقرر قانونی وجود ندارد، صرفاً از مفهوم مخالف ماده ۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی که راجع به جرایم با مجازات‌های تعزیری است، مستفاد می‌شود، زیرا به موجب منطوق این مواد قانونی، اگر شخص ایرانی در خارج از کشور مرتکب جرم با مجازات تعزیری شود، در صورت تعقیب و محکومیت و تحمل مجازات در خارج کشور در دادگاه‌های ایران تعقیب و محاکمه و مجازات نخواهد شد، لیکن به صراحت مفاد تبصره ۲ ماده ۱۱۵^۴ احکام خارجی صادره از سوی محاکم

۱. ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است:

الف- حد

ب- قصاص

پ- دیه

ت- تعزیر

۲. ماده ۷ مقرر می‌دارد: علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه:

الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلا یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

پ- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

۳. ماده ۸ مقرر می‌دارد: هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف- متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلا یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

ب- رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.

۴. در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ آمده است: اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.

خارجی در مورد جرایمی با مجازات تعزیر منصوص شرعی حتی، اگر مجازات آن هم در خارج کشور به اجراء در آمده باشد، اعتبار ندارد، چون مقنن در این ماده قانونی به صراحت مقرر داشته است که اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده ۸ و شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌گردد.

منظور از حکم محکمه خارجی، آن دسته احکامی است که از محاکم خارج از کشور (اعم از محاکم بین‌المللی و محاکم ملی کشورها) صادر شده باشند. منظور از کشور خارجی، کشورهایی هستند که در حال جنگ یا مخاصمه با ایران نباشند. به دو دلیل احکام صادره از سوی محاکم کشورهایی که متخاصم و یا در حال جنگ با ما هستند، فاقد اعتبار تلقی می‌گردد. اولاً دولتمردان و حاکمیت این کشورها که قوه قضاییه هم جزیی از آن تلقی می‌گردد، مهدور الدم تلقی شده فلذا شایستگی لازم برای قضاوت درخصوص اتباع ما را ندارند. ثانیاً احتمال غرض ورزی در صدور حکم بر علیه اتباع ما در این کشورها وجود دارد.

بنابر آنچه گفته شد محکمه خارجی صرفاً شامل کشورهای متعاهد با ایران که معامله متقابل دارند نمی‌شود بلکه مطلق کشورهای غیرخاصم را در بر می‌گیرد.

این اندازه از مقررات موجب ابهامات و طرح سؤالات زیادی از جمله سوالاتی به شرح ذیل شده است.

۱- حکم مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ فقط راجع به ایرانی مسلمان است یا شامل ایرانیان غیرمسلمان هم می‌شود؟ به عبارت دیگر اگر یک ایرانی غیر مسلمان در خارج از کشور مرتکب جرم تعزیر منصوص شرعی شود که در آن کشور جرم است، در صورت محاکمه و تحمل مجازات در آن کشور، آیا باید دوباره در ایران محاکمه و مجازات شود؟

۲- در صورتی که شخص ایرانی در خارج از کشور در جرم تعزیری منصوص شرعی معاونت کند، آیا می‌توان به جرم معاونت او، در داخل ایران رسیدگی کرد؟

۳- در صورتی که یک ایرانی با زن خارجی ازدواج کند، اگر این زن، مرتکب جرم تعزیری منصوص شرعی گردد که در کشور خودش جرم باشد و مجازات گردد، آیا می‌توان به جرم او در ایران رسیدگی نمود؟ هدف از تحقیق حاضر کمک به قضات و وکلای دادگستری در شناخت بهتر محدوده تعزیرات منصوص شرعی و حدود اعتبار احکام خارجی در این جرایم می‌باشد. بنابراین به سؤالات فوق با لحاظ مقررات حقوقی و موازین فقهی تحت عناوین ماهیت تعزیرات منصوص شرعی، مبانی عدم پذیرش احکام کیفری خارجی، ارتکاب جرم موجب تعزیر منصوص شرعی در خارج از کشور، تابعیت ایرانی مرتکب جرم

موجب تعزیر منصوص شرعی و حدود اعتبار احکام کشورهای خارجی در جرم موجب تعزیر منصوص شرعی بشرح ذیل پاسخ داده شد.

۲- ماهیت تعزیرات منصوص شرعی

مهمترین بخش حقوق جزای اسلامی و مجازات‌هایی که گستردگی بسیاری دارد، بخش تعزیرات است (فیض، ۱۳۷۹، ۵۳۶)، بنابراین شناخت ماهیت مجازات‌های تعزیری حائز اهمیت است. در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات تعزیری اینگونه تعریف شده است: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. با لحاظ این تعریف، خاستگاه وضع مجازات‌های تعزیری، شرع یا مصالح حکومت است، از این جهت می‌توان مجازات‌های تعزیری را به مجازات‌های تعزیر شرعی و مجازات‌های تعزیری حکومتی تقسیم کرد. مباحث مربوط به مجازات‌های تعزیری حکومتی خارج از حوصله این مقاله است و تحقیقا همه مباحث مجازات‌های تعزیری شرعی در حوصله این مقاله نیست.

در ابتدا قابل توجه است مستفاد از تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که به تعزیرات منصوص شرعی اشاره کرده است می‌توان برداشت کرد، تعزیرات شرعی بر دو نوع است: تعزیرات منصوص شرعی و تعزیرات غیر منصوص شرعی. تعزیرات غیرمنصوص شرعی که غالباً به اختصار تعزیر گفته می‌شود مجازاتی است که مطابق قاعده "التعزیر لکل عمل محرم"^۱ برای محرمات غیر حد در نظر گرفته شده و مجازات آن کمتر از مجازات حدی است^۲ و اندازه آن توسط قاضی تعیین می‌شود برای مثال می‌توان به تعزیر مختلس اشاره کرد که در وسائل الشیعه در خصوص آن آمده است دست مختلس که به صورت علنی مال را می‌برد قطع نمی‌شود لیکن تعزیر می‌گردد^۳ و تعیین این مقدار بر عهده حاکم می‌باشد.^۴

اینگونه مجازات (تعزیر شرعی غیر منصوص) فعلاً در ایران از طریق قانونگذاری مجلس شورای اسلامی تقنین و توسط قضات منصوب اعمال می‌شود. تفاوت‌های قابل توجهی بین تعزیر منصوص شرعی

۱. و الاولی جعل السبب التعزیر امرا واحدا، و هو ارتکاب المحرم الذی لم ینصب الشارع حدا مخصوصا (شهید ثانی، ج ۱۴، ۳۲۷).

۲. التعزیر لا یبلغ به ادنی الحدود عندنا و عند جماعه و ادناها تسعه و سبعون فی حق (طوسی، ۱۳۸۷، ۶۹).

۳. محمد بن یعقوب عن ابی علی الاشعری عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان بن یحیی عن اسحاق بن عمار عن ابی بصیر عن ادهما ع قال سمعته یقول قال امیر المومنین ع لا اقطع فی الذغاره المعلنه و هی الخلسه و لکن اعززه (حر عاملی، ۲۸، ۲۶۸).

۴. کل من فعل محرما، او ترک واجبا، فلامام تعزیره بما لا یبلغ الحد (حلی، ۱۴۲۰، ۳۹۸).

با تعزیر غیر منصوص شرعی است که از جمله آنها این است که نوع و میزان مجازات در تعزیر منصوص شرعی توسط شارع مشخص شده است ولی در مجازات‌های تعزیر غیر منصوص شرعی از سوی قاضی تعیین می‌شود. از سوی دیگر مجازات پیش‌بینی‌شده برای تعزیرات منصوص شرعی صرفاً از نوع شلاق است، بنابراین قابلیت آزادی مشروط را نیز ندارد زیرا نهاد آزادی مشروط مطابق ماده ۵۸ این قانون برای حبس‌های تعزیری پیش‌بینی شده که منظور حبس تعزیری غیرمنصوص یا حکومتی است، همچنین طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ مجازات‌های جرایم موجب تعزیر منصوص شرعی قابلیت تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات به ترتیب موضوع مواد ۴۰ و ۴۶ قانون مجازات اسلامی را نیز ندارند ولی این تأسیسات در جرایم موجب تعزیر غیر منصوص یا حکومتی قابل اعمال است.

در کتب فقهی، تعزیرات منصوص شرعی غالباً در انتهای کتاب حدود تحت عنوان مواد متفرقه آمده است که برخی از محرمانی که موجب آن می‌شود عبارتند از: جماع با میت در صورتی که زوج با زوجه متوفای خود مرتکب این عمل شود^۱، اقرار به زنا کمتر از چهار بار^۲، هرگاه قذف شونده نابالغ، مجنون باشد^۳، نسبت دادن زنا یا لواطی که موجب حد نیست، بوسیدن و خوابیدن در زیر یک لحاف با زن نامحرم و هم‌آغوش شدن و مانند آنها که استمتاع و لذت بردن کمتر از زنا که در این موارد در روایات آمده است که آنها را صد ضربه منهای یک ضربه بزنید^۴ همچنین هرگاه پدر یا جدپدری فرزند یا نوه خود را قذف کند^۵ بوسیدن غلام (پسر بچه) با شهوت، که در این موارد در روایات نوشته است که به فرد صد ضربه شلاق زده شود.^۶

همه مجازات‌هایی که در فقه با عنوان تعزیرات منصوص شرعی آمده است، مثل: نزدیکی با همسر در

۱. و منها وط الاموات زنا و لواط و حکمه حکم الاحیا فی الحد و الشرائط و یزید هنا انه تغلیظ علیه العقوبه بما یراه الحاکم الا ان تکون الموطواه زوجته فیعزر خاصه (شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۶۴)

۲. ولو اقر دون الاربع لم یجب الحد و لکن وجب التعزیر کما فی القواعد و عن الشیخین و ابن ادریس (نجفی، ۱۳۹۰: ۹۸)

۳. و سالت ابا عبدالله ع عن الرجل یقذف الجاریه الصغیره قال لا یجلد الا ان تکون ادرکت او قاربت (حر عاملی، ۲۸: ۱۸۵)

۴. و عنه محمد بن عیسی عن یونس عن مفضل بن صالح عن زید الشحام عن ابی عبدالله ع فی الرجل و المرأه یوجدان فی اللحاف قال یجلدان مائه مائه غیر سوط. (حر عاملی، ۲۸: ۸۵)

۵. محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن محبوب عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم قال: سالت ابا جعفر ع عن رجل قذف ابنه بالزنا قال لو قتله ما قتل به و ان قذفه لم یجلد له (حر عاملی، ۲۸: ۱۹۶)

۶. محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن یحیی بن المبارک عن عبدالله بن جبله عن اسحاق بن عمار قال: قلت لابی عبدالله ع ع مجدم قبل غلاما من شهوه قال یضرب مائه سوط. (حر عاملی، ۲۸: ۱۶۱)

ماه رمضان^۱ و استمناء^۲، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تقنین نشده است، بلکه به برخی از آنها در قانون ایران توجه شده است که از آن جمله می‌توان به: جماع با میت در صورتی که زوج با زوجه متوفی خود مرتکب این عمل گردد (ماده ۲۲۲)، اقرار به زنا کمتر از چهار بار (ماده ۲۳۲)، همجنس‌بازی مردها در کمتر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت (ماده ۲۳۷)، نابالغ یا مجنون یا غیر مسلمان بودن قذف شونده (تبصره ۱ ماده ۲۵۱)، نسبت دادن زنا یا لواطی که موجب حد نیست (ماده ۲۵۳) اشاره نمود. بنابراین جرایم با مجازات تعزیر منصوص شرعی مذکور در فقه شامل موارد بیشتری از آنچه در قانون آمده، می‌شود و به لحاظ منطقی بین این دو مورد رابطه عموم و خصوص مطلق حاکم است.

تعزیرات منصوص شرعی با مجازات‌های حدی هم تفاوتی‌هایی دارد که مهمترین آنها عبارتند از: در غالب جرایم حدی، مستند به ماده ۱۳۶^۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اگر فرد سه بار مرتکب یک نوع جرم حدی مثلاً شرب خمر شود و هر بار حد بر او جاری شود در بار چهارم کشته می‌شود، این در حالی است که در تعزیرات منصوص شرعی چنین حکمی مجرا نخواهد بود. در حدود، نوع و میزان مجازات به صورت ثابت تعیین شده است، اما در تعزیرات منصوص شرعی هر چند همچون حدود، نوع مجازات تعیین شده است، لیکن در غالب موارد، میزان مجازات بین حداقل و حداکثری در حال دوران است که قاضی در این محدوده در تعیین مجازات مناسب دارای اختیار است. دیگر اینکه یکی از شرایط اعمال مجازات حدی منوط به مکلف بودن شخص مرتکب می‌باشد که این موضوع در ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مورد عنایت قانونگذار نیز قرار گرفته است،^۴ حال آن که در جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی، مصادیقی است که حکایت از قابلیت اعمال آن بر شخص غیرمکلف دارد، برای مثال می‌توان به جرم موضوع ماده ۲۵۳ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که اگر فرد نابالغ به دیگری نسبت زنا یا لواط دهد تعزیر می‌شود.

۱. محمد بن یعقوب عند علی ابن محمد بن بندار عن ابراهیم بن اسحاق الاحمر عن عبدالله بن حماد عن المفضل بن عمر عن ابی عبدالله ع : ان اکره زوجته علی الجماع نهرا فی شهر رمضان یطل صومه و وجب علیه کفارتان و التعزیر بخمسین سوطا و لا شی علیها فان طواعته فعلی کل منهما کفاره و التعزیر بخمس و عشرين سوطا. (حر عاملی، ج ۱۰: ۵۶)

۲. محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن محمد بن سنان عن طلحه بن زید عن ابی عبدالله ع ان امیر المومنین ع اتی برجل عبث بذکره فضرب یدیه حتی احمرت ثم زوجة من بیت المال.

۳. ماده ۱۳۶ مقرر می‌دارد: هر گاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

۴. ماده ۲۱۷ مقرر می‌دارد: "در جرایم موجب حد مرتکب در صورتی مسوول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسوولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتکابی نیز آگاه باشد." مطابق این ماده یکی از شرایط ثبوت جرم موجب حد احراز شرایطی نظیر عقل، بلوغ، قصد و اختیار می‌باشد (ولیدی، ۱۳۹۲، ۳۳۱).

همچنین برای جرایم تعزیری منصوص شرعی فقط مجازات شلاق پیش بینی شده، اما در جرایم حدی علاوه بر مجازات شلاق، به مجازات‌های دیگری نظیر قطع عضو (ماده ۲۶۸)، صلب، تبعید و اعدام (ماده ۲۸۲) نیز اشاره شده است.

البته برخلاف مجازات‌های حدی که قابلیت تخفیف را ندارند، قضات می‌توانند تحت شرایطی مجازات‌های تعزیری منصوص شرعی را تخفیف دهند، چون مقنن در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ در مقام بیان مواردی که شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌گردد (مثل اعتبار احکام خارجی) از عدم قابلیت تخفیف یا تبدیل این قبیل مجازات‌ها سخنی به میان نیاورده است، بنابراین سکوت مقنن، در مقام بیان، بدین معنا است که قاضی می‌تواند همچون مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص، با احراز شرایط، مطابق بند ت ماده ۳۷، مجازات تعزیری منصوص شرعی را هم تخفیف دهد یا آن را تبدیل به مجازات از نوع دیگر بنماید.

البته مجازات منصوص شرعی شباهت زیادی با مجازات حدی دارد، به عبارت دیگر، نوع و میزان تعزیر منصوص شرعی، همچون مجازات حدی، از طرف شارع پیش‌بینی شده است، لیکن به سبب میزان مجازات، متفاوت از جرایم حدی است؛ همچنین مطابق، ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی، در جرایم تعزیر منصوص شرعی، قاضی نمی‌تواند مرتکب این جرایم را همچون مرتکب جرایم حدی، به طور کلی از مجازات معاف نماید، همینطور مطابق با قانون ایران مرتکبین جرایم با مجازات‌های حدی یا تعزیر منصوص شرعی اگر در خارج کشور محکوم به مجازات شوند احکام صادره خارجی تأثیری به حال مرتکب ندارد لذا چنانکه در ایران یافت شوند توسط محاکم ایرانی مجدداً محاکمه و مجازات خواهند شد که تحقیقاً مبتنی بر مبانی خاصی است که در ذیل به آن پرداخته شده است.

۳- مبانی عدم پذیرش اعتبار احکام خارجی در تعزیرات منصوص شرعی

در مباحث فقهی و حقوقی ایران راجع به اعتبار یا عدم اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران اتفاق نظر وجود ندارد^۱، به تبع، اعتبار احکام خارجی در خصوص جرایم با مجازات‌های تعزیری منصوص شرعی

۱. مثلاً فقهای موافق اعتبار دادن به احکام خارجی سازگاری قاعده اعتبار دادن به احکام خارجی با قاعده درء (را مطرح نموده‌اند. مفاد اجمالی قاعده آن است که در مواردی که وقوع جرم و یا انتساب آن به متهم و یا مسؤولیت و استحقاق مجازات وی به جهتی، محل تردید و مشکوک باشد، به موجب این قاعده باید جرم و مجازات را منتفی دانست (محقق داماد، ۱۳۷۹، ۴۳). در این مورد که فرد در خارج کشور مرتکب جرم گردیده و در همان محل ارتکاب جرم محاکمه گردیده و بعد از تحمل کیفر به کشور متبوع خود بازگشته است قاضی کشور متبوع بر اساس قاعده درء که آیا چنین فردی مستحق مجازات دوباره است یا نه باید از اعمال مجازات بر چنین فردی چشم‌پوشی کند.

هم محل اختلاف است، در هر حال قانونگذار ایران اعتقادی به اعتبار احکام خارجی در خصوص جرایم با مجازات‌های تعزیر منصوص شرعی ندارد که تحقیقاً این عدم اعتقاد قانونگذار، مبتنی بر مبانی خاصی است، لذا در این قسمت به مبانی عدم اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران، راجع به مجازات‌های منصوص شرعی می‌پردازیم که براساس آن قانونگذار تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی را وضع کرده است. به تحقیق، مبانی عدم اعتبار احکام خارجی در خصوص مجازات‌های منصوص تعزیری خارج از مبانی عدم اعتبار احکام خارجی در خصوص مجازات‌های حدود، قصاص و دیات نیست. بنابراین در ذیل، اهم آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اول اینکه، به دلیل عدم وجود شرایط شرعی لازم برای قضاوت در قضات رسیدگی کننده در خارج کشور، نمی‌توان به احکام صادر از سوی محکمه خارجی اعتبار داد. بدین معنا که تصدی منصب قضا امری خطیر و مهم در شرع اسلام تلقی می‌گردد و فردی که به تصدی این منصب نائل می‌گردد باید دارای شرایطی باشد که اهم این شرایط در فقه عبارتند از: بلوغ، عقل، مذکر بودن، ایمان، طهارت مولد، عدالت، رشد، اجتهاد و می‌باشد.^۱ از نظر فقها اگر قاضی واجد شرایط مذکور نباشد، حکم صادره فاقد وجاهت شرعی خواهد بود که از آن در فقه تحت عنوان قضاوت جور یاد می‌گردد.^۲ از آنجایی که قضات رسیدگی کننده در محاکم خارجی واجد شرایط فوق نیستند حکم صادره از سوی این قبیل قضات در کشور مسلمان ایران فاقد اعتبار و وجاهت شرعی تلقی می‌گردد. البته این توجیه از این جهت قابل نقد است که اگر دلیل عدم اعتبار احکام خارجی واجد شرایط نبودن قضات خارجی صادر کننده رأی باشد، این دلیل در خصوص جرایم با مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص، علی‌الخصوص جرایم با مجازات‌های تعزیری که بر اساس مصالح کشور وضع می‌شود نیز وجود دارد، حال آنکه قانونگذار در این خصوص و حتی جرایم با مجازات تعزیری غیرمنصوص شرعی، احکام کیفری صادره از محاکم کشورهای خارجی را معتبر می‌شناسد، ولی برابر تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی، اعتبار احکام خارجی را شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌داند. در پاسخ به انتقاد فوق می‌توان گفت حکم به حدود، قصاص و تعزیرات منصوص شرعی با احراز

این دلیل فقهای موافق اعتبار احکام خارجی قابل نقد می‌باشد زیرا مطابق قاعده درء شک قاضی راجع به عناصر دعوی و وجود ادله و حکم منتفی است نه استحقاق یا عدم استحقاق تحمل مجازات بنابراین در این خصوص نمی‌توان این قاعده را مجرا دانست.

^۱ . یعتبر فی القاضی امور، الاول: البلوغ، الثاني: العقل، الثالث: الذکوره، الرابع: الايمان، الخامس: طهاره المولد، السادس: العدالة، السابع: الرشد، الثامن: الاجتهاد، بل ضبط علی وجه (موسوی خوئی، ج ۲، ۱۳-۱۴).

^۲ . القضاة الجورای من لم یجتمع فیهم شرایط القضاء (موسوی خمینی، بی‌تا، ۲، ۴۰۵).

جرم یا به تعبیری گناه بر حاکم اسلامی واجب است لذا نمی‌تواند از زیر بار وجوب حکم یا اجرای آن شانه خالی کند یا آن را مغفول گذاشته و به دیگری واگذار نماید ولی در صورت وقوع جرم تعزیری، مجازات تعزیری بمایراه الحاکم واگذار شده است. یعنی در خصوص جرایم موجب تعزیر، حاکم یا به تعبیری حاکمیت که قدرت خود را از طریق قوه مقننه و قوه قضاییه اعمال می‌کند در اختیار مجازات و اعمال آن مختار است لذا از همان ابتدا در این خصوص از خود سلب اختیار کرده است.

بنابراین در خصوص حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی حکم صادره از سوی محکمه خارجی اعتباری ندارد. چون حدود، قصاص و دیات و تعزیرات منصوص شرعی حکم خاص خداوند است، بنابراین نمی‌توان آن را در کشور بیگانه اجرا و از تعقیب و محاکمه و از اجرای حکم خدا در ایران چشم‌پوشی نمود، به علاوه هدف اول از اعمال مجازات تعزیری رسیدن به اصلاح و تهذیب مجرم است که با اعمال مجازات در خارج از کشور نیز می‌توان به این هدف رسید، اما در خصوص جرایم حدی و همینطور تعزیرات منصوص شرعی، هدف اول از مجازات، اجرای حکم خداست که سبب پیرایش گناه از انسان گناهکار می‌شود. در واقع به این نوع جرایم که مجازات‌های حد، قصاص و همینطور تعزیرات منصوص شرعی را به همراه دارند به دیده گناه نگریسته می‌شود و با تحمل مجازات‌های خاص خداوندی توسط حاکم اسلامی است که موجب می‌شود نفس انسان، پاک و بری شود در حالی که مجازات اجراء شده در کشور خارجی توسط قضات جور، خاصیت پاک‌کنندگی گناه از انسان مسلمان را ندارد.

البته پیشنهاد می‌شود، در جایی که فرد در خارج از کشور مرتکب جرایم تعزیری منصوص شرعی گردیده هر چند حکم خارجی به موقع اجراء در آمده باشد فاقد اعتبار است، اما در این فرض می‌توان، با لحاظ امکان تخفیف تعزیر منصوص شرعی توسط قاضی، حکم به محکومیت و تحمل مجازات در کشور خارجی را از موجبات تخفیف مجازات تعزیر منصوص شرعی، در احکام صادره از دادگاه‌های ایران در نظر گرفت. چون در هر حال جرم ارتكابی از جرایم تعزیری می‌باشد و در اینجا که فرد در خارج کشور سزای عمل خود را چشیده و احتمال اصلاح او وجود دارد و در حالت شک باید به نفع متهم تفسیر کرده و وی را مستحق تخفیف بدانیم.

۴- ارتكاب جرم موجب تعزیر منصوص شرعی در خارج از کشور

به صراحتی که در مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی آمده است احکام صادره محاکم خارجی در خصوص جرایم تعزیری ارتكابی توسط ایرانیان در خارج از کشور دارای اعتبار است و این مرتکب مجدد در

ایران محاکمه، مجازات نخواهد شد، مستفاد از این حکم قانونگذار راجع به جرایم موجب تعزیر و سکوت قانون در خصوص دیگر مجازات‌ها (حدود و قصاص و دیات) استیصاد است که گویا قاعده، در اعتبار احکام خارجی است مگر اینکه قانونگذار استثنائاً حکم خاص دیگری داشته باشد بر این اساس باید گفت حکم مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ یک حکم استثنایی است که منطقاً باید مضیق تفسیر شود، لذا در خصوص شروع به جرم با مجازات تعزیر منصوص شرعی توسط شخص ایرانی در خارج از کشور، به نظر می‌رسد، هرگاه کشور خارجی اقدام به تعقیب و محاکمه و تحمیل مجازات بر شخص ایرانی نماید حکم صادره از سوی محکمه خارجی در کشور ایران دارای اعتبار تلقی گردد، چون هر چند در فرضی که جرم تام تحقق می‌یافت، می‌بایست به مجازات تعزیری منصوص شرعی محکوم می‌شد، لیکن چون مجازات شروع به جرم دارای مجازات تعزیر غیرمنصوص شرعی است و از مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۱۱۵ مستفاد می‌شود که احکام کشور خارجی در خصوص جرایم موجب تعزیر غیر منصوص شرعی معتبر است، فلذا باید حکم صادره و اجراء شده توسط محکمه خارجی را در این خصوص معتبر تلقی نمود و در مواردی نظیر این مورد قائل به اعتبار احکام خارجی و عدم مجازات مجدد مرتکب ایرانی بود. همچنین در فقه اسلامی شروع به جرم تحت عناوینی نظیر سد ذرایع^۱ در فقه اهل سنت که تا حدودی منطبق بر اصطلاح مقدمه حرام^۲ در اصطلاح اصول فقه شیعه می‌باشد، آمده است که در این موارد حکم به تعزیر مرتکب شده^۳ و هیچ یک از این موارد تعزیری تحت عنوان تعزیر منصوص شرعی قرار نمی‌گیرد.

مطابق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال (که شامل دختران ۹ تا ۱۸ سال و پسران ۱۵ تا ۱۸ سال می‌گردد)، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد به مجازات-های تعزیری پیش بینی شده محکوم می‌شوند که در ماده ۸۹ این قانون آمده است، ولی اگر مرتکب جرم تعزیر منصوص شرعی بالغ زیر ۱۸ ساله‌ای باشد که ماهیت جرم ارتكابی یا حرمت آن را درک نکند آیا

۱. معنای سد ذرایع بسبب اصطلاح این است که هر وسیله‌ای که موجب رسیدن به حرام می‌شود، باید ترک گردد تا حرام واقع نشود (شوشتری، ج ۱، ۱۴۲۷، ۵۱، ۵۷).

۲. لا تعاونوا علی الاثم و العداون. ایه ۲ سوره مائده

۳. در اینخصوص در روایتی آمده که امام جعفر صادق ع فرمود: «سارقی را که سوراخی ایجاد کرده بود و مردم شتاب کرده و او را دستگیر کرده بودند، نزد امیرالمومنین (ع) آوردند. حضرت علی (ع) فرمود: پیش از آن که سرقت کند، شتاب کردید. آن‌گاه حضرت او را بست تازیانه تعزیری زد.» (بروجردی، ۱۳۸۷، ۳۰، ۹۳۹).

مشمول مقررات این ماده قرار می‌گیرد؟ در این خصوص قانونگذار به صراحت تکلیف را مشخص ننموده است؛ لیکن به نظر می‌رسد در پاسخ به سؤال فوق، باید گفت هرگاه مرتکب بالغ کمتر از ۱۸ سال حرمت جرم ارتكابی (تعزیر منصوص شرعی) را درک نکند، بطریق اولی مشمول امتیاز مندرج در این مقرر قانونی بوده و به جای تحمل مجازات تعزیر منصوص شرعی حسب مورد به مجازات مندرج در ماده ۸۹ این قانون محکوم خواهد شد، چون قانونگذار در جرایم حدی که قبیح‌تر از جرایم با مجازات تعزیر منصوص شرعی است مرتکبین بالغ زیر هجده سال را مستحق تعزیر می‌داند به قیاس اولویت و در مقام تفسیر بنفع متهم، در جرایم تعزیری منصوص شرعی مرتکب را می‌توان مشمول مقررات این ماده دانست.

قانونگذار در مورد رسیدگی به جرم معاون ایرانی در جرایم تعزیری منصوص شرعی که در خارج کشور ارتکاب می‌یابد، سکوت اختیار نموده است. در این خصوص دو حالت قابل تصور است. گاهی عمل معاونت در داخل ایران و یا گاهی عمل معاونت در خارج از کشور صورت می‌گیرد. از آنجایی که قانونگذار ایران در مورد معاون نظریه استعاره مجرمیت را پذیرفته است، در هر دو فرض باید عمل ارتكابی توسط مباشر، جرم باشد تا بتوان معاون را تعقیب نمود، هرگاه عمل مباشر در نظر قانون ایران جرم نباشد با توجه به پذیرش نظریه استعاره مجرمیت در حقوق کیفری ایران باید گفت معاون قابل تعقیب نیست (اردبیلی، ج ۲، ۱۳۸۹، ۵۸). البته اگر مستند به ماده ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی، مباشر به علل شخصی معاف گردد، یا به عللی نظیر فوت قابلیت تعقیب را نداشته باشد، این امر تأثیری در حق معاون نخواهد داشت. هرگاه عمل مباشر در محل وقوع، جرم تشخیص داده شد می‌توان معاون را تعقیب نمود، اما اگر شخص معاون ایرانی در جرم تعزیر منصوص شرعی در خارج از کشور محاکمه و مجازات شود، دیگر دادگاه ایران نمی‌تواند مجدداً به جرم او رسیدگی نماید، چون هر چند جرم ارتكابی تعزیر منصوص شرعی است اما مجازات معاونت در آن جرم، مجازات تعزیری منصوص شرعی نیست و تعزیر غیر منصوص است، فلذا حکم صادره و اجراء شده توسط محکمه خارجی مطابق قانون ایران دارای اعتبار است.

اگر شخص ایرانی معاون از داخل کشور ایران، در جرم تعزیر منصوص شرعی ارتكابی در خارج از کشور دخالت نماید و مباشر در خارج از کشور، جرم تعزیری منصوص شرعی را مرتکب گردد، در صورتی که کشور خارجی اقدام به تعقیب و محاکمه و اعمال مجازات بر مباشر و معاون نماید، آیا کشور ایران بر اساس صلاحیت سرزمینی خود حق رسیدگی و اعمال مجازات بر شخص معاون ایرانی را خواهد داشت؟ در پاسخ به این سؤال باید گفته شود که اصل بر صلاحیت دادگاه‌های کشوری است که جرم در سرزمین آن

کشور به وقوع پیوسته است؛ بنابراین از آنجایی که در فرض سؤال جرم معاونت در قلمرو کشور ایران واقع شده است فلذا دولت ایران حق رسیدگی به این جرم و مجازات معاون را خواهد داشت هر چند این معاون در خارج از کشور محاکمه و مجازات شده باشد لیکن از آنجایی که در این فرض، تراحم میان قاعده منع مجازات مضاعف با اصل صلاحیت سرزمینی در رسیدگی به جرایم، ایجاد شده است که اعمال صلاحیت سرزمینی اولی بر قاعده منع مجازات مضاعف است، مطابق "قاعده الجمع مهمما اولی من طرح" شایسته است، محاکم داخلی ضمن رسیدگی و محکومیت معاون میزان محکومیتی که فرد در خارج از کشور را تحمل نموده است در حکم محکومیت خود لحاظ کنند یا آن را از موجبات تخفیف مجازات بدانند.

قابل توجه است اگر فردی در کشور خارجی مرتکب جرم تعزیر منصوص شرعی نظیر رابطه نامشروع موضوع ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ شود و در ایران هم مرتکب جرم حدی تفخیز موضوع ماده ۲۳۵ گردد، بین مجازات جرم تعزیری منصوص شرعی و مجازات جرم موجب حد، تداخل می‌شود و فرد تنها مستحق یک مجازات خواهد بود که در تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است، همچنانکه اگر این هر دو جرم را در ایران مرتکب می‌شد تنها یک مجازات یعنی مجازات اشد را متحمل می‌گشت.

۵- تابعیت ایرانی مرتکب جرم موجب تعزیر منصوص شرعی

اشخاصی مشمول حکم تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قرار می‌گیرند که تابعیت ایرانی داشته باشند، شرط تابعیت باید در هنگام ارتکاب جرم محقق باشد (زراعت، ۱۳۹۲، ۵۹)، صلاحیت دادگاه ایرانی به رسیدگی به جرم اتباع ایرانی که در خارج از کشور مرتکب جرم تعزیر شرعی می‌شود مبتنی بر صلاحیت شخصی است که در اینخصوص فقط ناظر به اشخاص حقیقی مرتکب این نوع جرایم است چون اشخاص حقوقی قابلیت ارتکاب و تحمل گناه را ندارند.

فردی که تابعیت ایرانی خود را تغییر دهد به طوری که دولت با تغییر تابعیت او موافقت داشته باشد و سپس در کشور خارجی مرتکب جرم شده، در صورت بازگشت به ایران نمی‌توان به جرم او رسیدگی کرد، چون اولاً، تابعیت ایرانی در زمان ارتکاب جرم وجود نداشته است بنابراین دولت ایران نمی‌تواند با این

۱. در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد مگر...

توجیه که فرد سابقاً تابعیت این کشور را دارا بوده وی را محاکمه و مجازات کند، چون شرط دارا بودن تابعیت ایرانی، قبل از ارتکاب جرم موجب تعزیر منصوص شرعی منتفی گردیده است. ثانیاً، دلیلی که دولت‌ها بر اساس صلاحیت شخصی اقدام به رسیدگی می‌کنند این است که جرم تبعه، موجب بدنامی آن کشور می‌گردد (زراعت، ۱۳۹۲، ۶۰) حال آنکه چنین فرضی در خصوص شخصی که تابعیت کشور ایران را ترک کرده است، وجود ندارد. یک ایرانی که بعد از ارتکاب جرم تعزیر منصوص شرعی در خارج از کشور و صدور حکم خارجی، تابعیت ایرانی خود را تغییر می‌دهد یا تابعیت دیگری به او اضافه گردد، کماکان قانون ایران در خصوص جرم موجب تعزیری منصوص شرعی او حاکم است، چون ملاک زمان ارتکاب جرم می‌باشد و از آنجایی که این فرد در زمان ارتکاب جرم تابعیت ایرانی داشته است، بنابراین محاکم ایران حق رسیدگی به جرم او را خواهند داشت و تغییر تابعیت او پس از ارتکاب جرم نافی قانون مجازات اسلامی و صلاحیت محاکم ایران نمی‌باشد. قانون ایران در خصوص این که هرگاه فرد ایرانی با مشارکت شخصی که تابعیت کشور محل وقوع جرم یا کشور دیگری را دارا است مرتکب جرم موجب تعزیر منصوص شرعی گردد، در صورت تبرئه شدن شریک، می‌توان به جرم تبعه ایران رسیدگی نمود، تکلیف را مشخص ننموده است که به نظر می‌رسد، کشور ایران، در هر حال و بدون توجه به محاکمه صورت گرفته توسط کشور خارجی، می‌تواند به جرم ارتكابی تبعه خود رسیدگی نماید. چون این شخص تبعه ایران بوده و محاکم ایران حق دارد بدون توجه به رسیدگی یا عدم رسیدگی کشور محل وقوع جرم، به جرم شریکی که تابعیت کشور ایران را دارا است، در خصوص جرم تعزیری منصوص شرعی تبعه خود اقدام به رسیدگی نماید. اگر شخص ایرانی «غیر مسلمان»، در خارج از کشور، مرتکب جرم موجب تعزیر منصوص شرعی گردد که در آن کشور جرم است، در صورت تحمل تمام مجازات، محاکم داخلی ایران حق رسیدگی به جرم چنین فردی را ندارند؛ چون هدف از اجرای مجازات تعزیر منصوص شرعی همچون حدود اجرای حکم خداست که در نگاه اول برای پاک کردن از گناه بر مسلمانان اعمال می‌گردد، حال آنکه چنین هدفی در خصوص غیر مسلمانان وجود ندارد، بعلاوه اینکه طبق اصول حقوق جزای بین الملل و اصل سرزمینی بودن محاکم به رسیدگی به جرایم، دولتی که جرم در سرزمین آن واقع شده است، برای تعقیب و مجازات مجرم اولویت دارد (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۵۵) بنابراین هرگاه کشور محل وقوع جرم اقدام به محاکمه و مجازات مجرم کرده دیگر محملی برای مجازات مجدد این فرد توسط کشور متبوعش وجود نخواهد داشت. مطابق ماده ۹۷۶

قانون مدنی^۱ هرگاه زن خارجی با مرد ایرانی ازدواج کند مطابق قانون ایران دارای تابعیت ایران می‌باشد. اگر زوجه خارجی در خارج از کشور ایران مرتکب جرم موجب تعزیر منصوص شرعی گردد، دادگاه ایران حق رسیدگی به جرم چنین فردی را دارد چون مطابق قانون ایران، او تبعه ایران محسوب می‌گردد و تغییر تابعیت در اثر ازدواج نه ارادی و نه نتیجه سلطه شوهری است، این تغییر تابعیت اثر وصف تاسیسی عقد ازدواج است. زن فقط ازدواج را خواسته است و تغییر تابعیت را قانون به او تحمیل می‌کند. به عبارت دیگر برای ازدواج رضایت زن لازم است، همین که زن به این امر تن دهد خود به خود آثار قهری آن را قبول می‌کند. تغییر تابعیت زن هم از آثار قهری زناشویی می‌باشد (نصیری، ۱۳۸۹، ۵۳). بنابراین به صرف وقوع عقد ازدواج زن خارجی حتی بدون نیاز به هرگونه درخواست یا اعلام رضایتی از سوی وی، تابع ایران محسوب می‌گردد و کشور ایران حق رسیدگی به جرم تعزیری منصوص شرعی او را بعد از ازدواج خواهد داشت حتی اگر هنوز به ایران هم مسافرت نکرده باشد مگر اینکه وی به استناد جهل خود، اگر قصوری باشد، از مجازات معاف گردد که مستند آن ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی این است که تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

۶- حدود اعتبار احکام کشورهای خارجی در جرایم موجب تعزیر منصوص شرعی

در دادرسی مدنی ایران، با عنایت به ماده ۹۷۵ قانون مدنی، بدون تردید می‌توان گفت، اصل بر اعتبار احکام خارجی است و عدم اعتبار احکام خارجی، استثنائاً است. مطابق این ماده، صرفاً از اجرای احکام خارجی در صورتی که بر خلاف اخلاق حسنه، یا سبب جریحه دار کردن احساسات جامعه باشد، یا مخالف با نظم عمومی محسوب شود، جلوگیری خواهد شد، بنابراین می‌توان استنباط کرد، از آنجایی که قانونگذار در مرحله اجراء بطور استثنایی و در موارد خاص از اعمال این احکام خودداری می‌کند، دلالت بر آن دارد که اصل بر اعتبار احکام خارجی در ایران است و عدم اعتبار احکام خارجی، استثناء است حال با توجه به اینکه قانونگذار، واحد فرض می‌گردد، پس نمی‌تواند اقدام به وضع قوانین متعارض نماید بنابراین اگر اصل پذیرفته شده در قانون اعتبار احکام خارجی باشد، که در احکام مدنی اینچنین است، پس در نگاه اول چنین اصلی در خصوص اعتبار احکام خارجی در خصوص مجازات‌ها نیز باید پذیرفته گردد. از سوی دیگر از

۱. ماده ۹۷۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۲. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

آنجایی که جرم در خارج از قلمرو سرزمینی ایران واقع شده است، در هر موردی که شک در اعتبار یا عدم اعتبار احکام خارجی ایجاد شد باید قائل به اعتبار آن گردید، مضافاً اینکه اگر هدف از مجازات اصلاح و بازسازی مجرم باشد چون این مجرم در خارج از کشور به مجازات رسید یعنی در واقع بازسازی و اصلاح گردید فلذا اعمال مجازات مضاعف بیهوده است و چه بسا از قاعده درء هم بتوان به این مهم رسید که وقتی شخصی عقوبت کار زشت خود را متحمل گردید انسان متعارف یا قاضی در شک و تردید است که مجدداً به خاطر همان عمل وی را مجازات کند، از همین رو قاعده عقلایی منع مجازات مضاعف مورد توجه گردید که نه فقط در احکام داخلی دادگاه‌های یک کشور بلکه در احکام صادره خارجی هم باید مورد لحاظ مقنن یا قاضی داخلی قرار گیرد. هرگاه دادگاه کشور خارجی، مطابق قانون مجازات اسلامی ایران، مرتکب ایرانی را به مجازات تعزیر منصوص شرعی برساند، که نظیر این مورد در قانون ایران در بحث سوء قصد به جان مقامات سیاسی خارجی هم دیده شده است که برابر ماده ۵۱۶، سوء قصد به جان مقامات سیاسی خارجی همان مجازات سوء قصد به جان مقامات داخلی (ماده ۵۱۵) را دارا است مشروط به اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود در غیر اینصورت اگر مجازات تعیین شده توسط آن کشور در خصوص سوء قصد به جان مقامات ایرانی خفیف تر باشد مرتکب به همان مجازات محکوم خواهد شد. حال بحث این است که فرضاً اگر کشوری در خصوص جرم ارتكابی تعزیر منصوص شرعی مرتکب را بر اساس قانون ایران مجازات نماید دادگاه ایران در صورت یافت شدن این فرد در ایران حق محاکمه مجدد چنین فردی را دارد یا خیر؟ در این خصوص به نظر می‌رسد حتی اگر فرد در کشور خارجی بر اساس قانون ایران مجازات شود، باز هم محاکم داخلی حق محاکمه و مجازات مجدد چنین فردی را خواهند داشت، چون اجرای قانون کشور ایران علیه مرتکب توسط دولت دیگر، نافی حق اعمال مجازات دولت ایران بر تبعه خود که مرتکب جرم در خارج از کشور شده است و با قصد پیراستن او از گناه است، نمی‌باشد. هرگاه مرتکب جرم با مجازات تعزیر منصوص شرعی در خارج از کشور شخص ایرانی غیرشیعیه (اهل سنت) باشد که مطابق شریعت مورد باور آنها این جرم واجد عنوان تعزیر منصوص شرعی نیست، به نظر می‌رسد همچنان قانون ایران بر این فرد حاکم است و به عمل ارتكابی او که مطابق قانون ایران تعزیر منصوص شرعی است رسیدگی می‌گردد چون در هر حال این فرد مسلمان و تابع ایران است فلذا قانون ایران بر او حاکم خواهد بود. همچنین هرگاه مجازات تعزیر منصوص شرعی تحمیل شده بر یک ایرانی مجرم توسط کشور خارجی بیشتر از مجازات تعزیر منصوص شرعی تعیین شده برای همان عمل در ایران باشد. به نظر

می‌رسد در این مورد هم مطابق قانون ایران محاکم داخلی باید به عمل ارتكابی تعزیر منصوص شرعی حتی در فرضی که مرتکب سزای عمل خود را حتی بیش از آنچه در قانون ایران است تحمل کرده، رسیدگی نمایند. چون مطابق ماده ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی حتی در فرضی که مجازات کلاً یا بعضاً در حق فرد اعمال شده باشد این امر تأثیری در مجازات تعزیر منصوص شرعی (مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱۵) نخواهد داشت و اجرای کل مجازات در خارج از کشور هم اعم است از آنکه مجازات تعیین شده در آنجا کمتر یا مساوی مجازات تعیین شده برای همان عمل در ایران باشد یا حتی مجازات تعیین شده بیش از مجازات مقرر در قانون ایران برای همان عمل در قانون ایران باشد که در هر دو فرض اگر جرم از جرایم موجب تعزیر منصوص شرعی باشد قانونگذار ایران برای مجازات اعمال شده از سوی محکمه خارجی اعتباری قائل نشده است و مرتکب را مستحق مجازات مجدد می‌داند. مرتکب ایرانی که پس از ارتکاب جرم تعزیر منصوص شرعی در کشور خارجی، توبه می‌کند، در صورت احراز توبه و شرایط آن^۱ که در مبحث حدود آمده است، قاضی ایرانی باید از رسیدگی و صدور حکم خودداری نماید، چون مطابق قانون ایران، هر چند احکام خارجی در تعزیرات منصوص شرعی فاقد اعتبار است ولی هنوز جرم اثبات نشده تلقی می‌شود، لذا مطابق ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی و احراز شرایط مندرج در آن، توبه مرتکب، مسقط مجازات تعزیری منصوص شرعی است.

در خصوص قابلیت استرداد^۲ یا عدم استرداد مرتکب جرم تعزیر منصوص شرعی، قابل تصور است که گاهی فرد ایرانی در خارج از کشور مرتکب جرم تعزیری منصوص شرعی می‌شود، و به کشور دیگری می‌گریزد، اگر کشور محل گریز، با اینکه کشور متبوع مرتکب جرم یعنی ایران باشد که بحث خاصی نیست، این شخص طبق قانون ایران محاکمه و مجازات می‌شود و طبق اصلی که در تمامی قرار دادهای استرداد حاکم است، کشورها تبعه‌ی خود را به کشور دیگر مسترد نمی‌کنند لذا ایران از استرداد او به کشور محل وقوع جرم خودداری می‌کنند. اما اگر کشور محل گریز، کشور غیرمتبوع مرتکب جرم باشد و کشور متبوعش (مثل ایران) خواهان استرداد وی گردد هر چند استرداد تابع توافقات فی‌مابین یا اصول کلی است، صورت نگیرد زیرا مرتکب جرم موجب تعزیر منصوص شرعی در کشور ایران مرتکب این جرم نشده است و

۱. از جمله شرایط تحقق توبه قبل از اثبات جرم، احراز شدن ندامت و اصلاح مرتکب برای قاضی (ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی) است. همچنین مطابق تبصره ۱ ماده ۱۱۵ فرد مشمول مقررات تکرار جرم نباشد.

۲. استرداد عبارت از باز پس گرفتن متهم یا مجرم از کشوری است که پس از ارتکاب از آنجا گریخته است (پوربافرانی، ۱۳۹۱، ۲۰۹)

چه بسا این عمل در کشور محل گریز این مرتکب، اساساً جرم نباشد زیرا که استرداد تابع شرط مجرمیت متقابل نیز است لذا وقتی عملی در کشوری جرم نیست این کشور از استرداد او به کشور متبوعش که صرفاً این عمل در آنجا جرم است خودداری می‌کند.

۷- نتیجه گیری

قانونگذار ایران برابر تبصره ۲ ماده ۱۱۵ برای احکام صادره و اجراء شده از سوی محاکم خارجی در جایی که جرم ارتكابی از جرایم تعزیری منصوص شرعی باشد اعتباری قائل نگردیده است اما چون هدف از اعمال مجازات‌های شرعی (نظیر تعزیرات منصوص شرعی) پیرایش شخص مسلمان از گناه است، هرگاه مرتکب ایرانی غیر مسلمان باشد و در خارج از کشور مرتکب جرم تعزیر منصوص شرعی گردد و در آنجا متحمل مجازات گردد محاکم داخلی صلاحیت رسیدگی به جرم او را نخواهند داشت. چون علاوه بر اینکه حکم مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی برخلاف حکم مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات‌های تعزیری است فلذا حکمی استثنایی و بر خلاف قاعده منع مجازات مضاعف بوده و می‌بایست مضیق تفسیر گردد. همچنین در فرضی که شخص ایرانی در خارج از کشور در جرم تعزیر منصوص شرعی معاونت دهد در صورت تحمل مجازات دیگر نمی‌شود به جرم او در ایران رسیدگی نمود، چون هرچند، مباشر مرتکب جرم موجب تعزیر منصوص شرعی شده است اما مجازات معاون این جرم تعزیر غیر منصوص است فلذا مقنن برای حکم اجراء شده از سوی محکمه خارجی در خصوص تعزیرات غیرمنصوص اعتبار قائل شده است و وی را معاف از محاکمه و مجازات مجدد می‌داند، همینطور است راجع به شخص ایرانی که مرتکب شروع به جرم موجب تعزیر منصوص شرعی گردد، چون مجازات این مرتکب تعزیر منصوص شرعی نیست و در حقوق ایران صرفاً در مواردی مجازات منصوص است مجدداً در ایران تعقیب و محاکمه نمی‌شود. در خصوص زن خارجی که با فرد ایرانی ازدواج کرده باید گفته شود که این فرد در صورت ارتکاب جرم تعزیر منصوص شرعی در خارج از کشور مطابق قانون ایران به جرم او رسیدگی می‌شود چون به صرف وقوع عقد نکاح این زن دارای تابعیت ایران بوده فلذا مشمول قوانین ایران می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

منابع فارسی

- ۱- اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۹)، حقوق جزا عمومی، جلد دوم، نشر میزان، تهران، چاپ بیست و دوم.
- ۲- بروجردی، حسین، (۱۳۸۷)، منابع فقه شیعه، جلد ۳۰، مترجم احمد اسماعیل تبار، چاپ اول.
- ۳- پوربافرانی، حسن، (۱۳۹۱)، حقوق جزای بین الملل، انتشارات جنگل، چاپ چهارم.
- ۴- زراعت، عباس، (۱۳۹۲)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، انتشارات ققنوس، چاپ اول.
- ۵- شوشتری، محمد حسن، (۱۴۲۷)، دیدگاه‌های نو در حقوق، انتشارات میزان، چاپ دوم.
- ۶- فیض، علیرضا، (۱۳۷۹)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ پنجم.
- ۷- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۷۹)، قواعد فقه بخش جزایی، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول.
- ۸- نصیری، محمد، (۱۳۸۹)، حقوق بین الملل خصوصی، نشر آگه، چاپ بیست و یکم.
- ۹- ولیدی، محمد صالح، (۱۳۹۲)، شرح بایسته های قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، چاپ اول.

منابع عربی

- ۱- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، جلد ۲۸، چاپ اول
- ۲- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۲۰)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، جلد ۵، موسسه امام صادق علیه السلام.
- ۳- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، جلد ۲، موسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، قم.
- ۴- خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۲)، مبانی تکمله المنهاج، جلد ۲، موسسه احیا آثار الامام الخوی ره، قم، چاپ اول.
- ۵- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۳۷۸)، مبسوط فی فقه الامامیه، جلد ۸، تهران، چاپ سوم.
- ۶- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰) اللعه دمشقیه فی الفقه الامامیه، دارالتراث-الدار الاسلامیه، چاپ اول، بیروت- لبنان.
- ۷- عاملی، شهید ثانی، زید الدین بن علی، (۱۴۱۳)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد ۱۴، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول.
- ۸- نجفی، محمد حسن، (۱۳۹۰)، جواهر الکلام، ترجمه اکبر نایب زاده، جلد ۱، انتشارات خرسندی، چاپ اول.